



Jurisprudential Approach Regarding Environmental Crimes

Moslem Gholami*¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 201-211

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +980000000000

Email: mgholami58@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 12 Jan 2025

Revised: 05 Apr 2025

Accepted: 08 May 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

*Environmental Law,
Environmental Crimes,
Harmless Principle,
Principles of Jurisprudence.*

ABSTRACT

One of the important duties of the Islamic government is to explain and compile environmental laws, which in addition to compiling laws, must also monitor its implementation and take necessary measures before any damage occurs. In Islam, no person or group at any level is allowed to benefit from natural resources in a way that endangers the well-being of others or disturbs the order of the environment, which can be found in the principle of fifty basic laws. The legislator has prohibited any type of activity that can cause damage to the environment. The aim of this research is to investigate the factors influencing environmental protection and environmental crimes based on the principles of jurisprudence, which has been analyzed by descriptive and analytical methods. The results show that one of the important things to protect and protect the environment inside each country and in the international scene is adherence to environmental protection agreements. In Islam, the general principle of acting on contracts based on the principle of integrity is emphasized, according to this rule, all covenants and contracts that are concluded in the field of protection and protection of the environment, whether in the internal laws of the country or in international laws, are recognized as an obligation for governments and all covenants and agreements that have been approved by the parliament, according to Article 9 of the Civil Code, are the law.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Gholami, M (2025). "Jurisprudential Approach Regarding Environmental Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(2): 201-211.



دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

رویکرد فقهی در خصوص جرایم محیط زیستی

مسلم غلامی*

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی تبیین و تدوین قوانین زیست‌محیطی است که علاوه بر تدوین قوانین بر اجرای آن نیز باید نظاره‌گر باشد و اقدامات لازم را قبل از این‌که خسارتی به‌وجود بیاید، انجام دهد. در اسلام هیچ فرد یا گروهی در هیچ سطحی اجازه ندارد به طریقی از منابع طبیعی بهره‌مند شود که رفاه دیگران را به خطر اندازد و یا نظم محیط زیست را برهم زند که مصداق این مفهوم را در اصل پنجاه قانون اساسی می‌توان یافت، قانون‌گذار انجام هر نوع فعالیتی را که بتواند سبب آسیب به محیط زیست شود را ممنوع دانسته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار در حفاظت از محیط زیست و جرایم محیط زیستی با تکیه بر اصول فقه است که با روش توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد یکی از موارد مهم برای حمایت و حفاظت از محیط زیست در داخل هر کشور و در صحنه بین‌الملل پایبندی به قراردادهای حفظ محیط زیست است، در اسلام نیز به اصل کلی عمل به عقود مبتنی بر قاعده اصاله‌الزوم تأکید شده که طبق این قاعده تمامی عهدها و قراردادهایی که در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست چه در قوانین داخلی کشور و چه در قوانین بین‌المللی منعقد می‌شود، به‌عنوان تکلیفی برای دولت‌ها شناخته شده و تمامی عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌هایی که به تصویب مجلس رسیده باشد، طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۰۱-۲۱۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:-.....-.....-.....

تلفن: +۹۸۰.....

ایمیل: mgholami58@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق محیط زیست، جرایم زیست‌محیطی، اصل لاضرر، اصول فقه.



مقدمه

اولین بار در سال ۱۹۷۲ با صدور اعلامیه جهانی استکهلم واژه حقوق محیط زیست وارد ادبیات حقوقی جامعه بین الملل و به فراخور آن وارد حقوق داخلی کشورها گردید و شاهد تدوین کنوانسیون ها و بسیاری از معاهدات دوجانبه و چندجانبه و صدور آرای بین المللی و داخلی در این حوزه هستیم، از دیدگاه فقهی می توانیم جایگاه حفاظت محیط زیست و توجه به مؤلفه های جرم انگاری آن را در آیات قرآن کریم و سنت و احادیث مشاهده کنیم که قبل از تدوین در جامعه بین المللی، قوانین محیط زیستی در ادبیات حقوق اسلامی وارد شده است. هدف اصلی از حفاظت محیط زیست پیشگیری از آسیب و خسارت در قالب عناصر محیط زیست (آب، خاک، هوا و موجودات زنده) است و هر عملی که برخلاف آن صورت پذیرد، نیازمند تعقیب و پیگرد قانونی است. احکام در اسلام به دو دسته احکام خاص و صریح و احکام عام و کلی تقسیم می شوند. احکام خاص شامل احکامی است که به جنبه های ثابت و تغییرناپذیر زندگی انسان پرداخته که حکم آن ها در قرآن و سنت به صراحت بیان شده است؛ دسته دوم شامل احکام عام که باتوجه به نیازهای بشر در هر دوره منطبق با نیازهای عصر حاضر باشد، تبیین شده، نکته حائز اهمیت اینجاست که احکام مربوط به محیط زیست از هر دو دسته عام و خاص هستند، بدین معنی که برخی از مسائل زیست محیطی که با زندگی بشر ارتباط مستقیم دارد، به صورت صریح در قرآن و روایات آمده است و برای دسته دوم باید براساس مقتضیات زمان اقدام به حکم موضوع کرد. از احکام خاص که به محیط زیست اشاره دارد می توان به عنصر آب در قرآن اشاره کرد که در آیات بسیاری، از جمله در آیه ۹۹ از سوره انعام که خداوند می فرماید: «و اوست آن که از آسمان آبی فرستاد تا برون آوریم با آن هرگونه رویدنی را»، به منافع آب و اهمیت ارتباط آن با حیات بشر اشاره دارد و یا درخصوص حفظ درختان و طبیعت در زمان جنگ، قطع درختان و آتش زدن آن ها را مکروه دانسته و تأکید پیامبر مکرم اسلام در جنگ ها نیز حفاظت از طبیعت به خصوص حفظ درختان بوده است. احیای موات با درختکاری و زارعت نیز از دیگر احکام خاص در حوزه حفاظت از محیط زیست

است. درخصوص احکام عام نیز می توان به استفاده قاعده لاضرر که در رأی صادره توسط قاضی مسلمان مصری در پرونده تریل اسملتر (دعوی آمریکا و کانادا) صورت گرفت، اشاره کرد که مفهوم حاکمیت را از مفهوم حاکمیت مطلق در نظام بین الملل به حاکمیت بی ضرر توسعه داد. اصل وفای به عهد نیز که شالوده نظم حقوقی بین المللی در معاهدات جهانی است، در فقه نیز ریشه دارد و آیات و روایات بسیاری در زمینه وفای به عهد وجود دارد که قانون گذار اسلامی نیز در اصول ۲۵ و ۷۷ قانون اساسی بر آن تأکید کرده است. نقطه عطف صراحت قانون گذار در توجه به حفاظت محیط زیست در اصل ۵۰ قانون اساسی است که از نظر قانون گذار اسلامی مورد تصویب قرار گرفته است و همین امر توجه موازین فقه اسلامی را به اهمیت ابعاد مختلف حفاظت از محیط زیست نشان می دهد. در این پژوهش سعی بر آن است که به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که آیا تأثیر اصول فقه در تبیین قواعد زیست محیطی مؤثر واقع گردیده؟ فرضیه تحقیق بر این امر استوار است که احکام اسلامی در دسته احکام خاص و کلی به موضوع محیط زیست پرداخته و آثار آن در بسیاری از قواعد داخلی و حتی بین المللی مشهود است. در این پژوهش ابتدا به تعریف مفهوم حقوق محیط زیست، جرم زیست محیطی پرداخته می شود، سپس اصول بنیادین دخیل در قواعد محیط زیستی را در قالب اصل لاضرر، اصل وفای به عهد، اصل اتلاف، اصل مصلحت و اصل ضمان در تدوین قوانین داخلی و بین المللی مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- مفاهیم نظری

در این بخش به تعاریف حقوق محیط زیست از سه منظر محیط زیست طبیعی، مصنوعی و اجتماعی پرداخته شده و مفهوم جرم زیست محیطی که فعل یا ترک فعلی است که سبب انواع خسارات به محیط زیست می گردد، مورد واکاوی قرار گرفته است.

۱-۱- مفهوم حقوق محیط زیست

مجموعه شرایط و عواملی که شرایط زیستن را فراهم می کند، نیازمند قواعد و مقرراتی است، بدین منظور محیط زیست را به دو دسته عام و خاص تقسیم می کنند. بنابراین هرگونه زیستن

در محیط زیست را می‌توان جزئی از محیط زیست عام دانست (رایبسون و کولاسوریا، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

محیط زیست خاص به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- محیط زیست طبیعی، یعنی محیطی که انسان در شکل‌گیری آن هیچ نقشی ندارد، اما در تخریب آن چرا!

۲- محیط زیست انسان ساخت (محیط زیست مصنوعی) که انسان در شکل‌گیری آن نقش مستقیم دارد و اقدامات بی‌رویه انسان در این محیط باعث آلودگی‌ها می‌شود. برای مثال می‌توان به محیط زیست شهری با انواع آلودگی‌هایی نظیر آلودگی آب و هوا و حتی مناظر اشاره کرد (کیس و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۷). در محیط زیست انسان ساخت عمده‌تاً با مسائل آلودگی سروکار داریم که اگر موضوع را از نظر بهداشت و سلامت انسان بررسی کنیم، قانون به عقب‌تر برمی‌گردد، اما اگر به محیط انسان توجه شود، اولین قانون شهرداری‌ها در سال ۱۳۳۴ نمونه‌ای از نگاه قانون‌گذار به محیط زیست مصنوعی است. برای مثال می‌توان به «د» بند ۲۰ الحاقی ماده ۵۰ قانون شهرداری‌ها اشاره کرد که به‌منزله جلوگیری از آلودگی شهری، شهرداری موظف است از تأسیس کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، کارهای عمومی و ... که ایجاد مزاحمت و سر و صدا می‌کنند و سایر آلودگی‌ها را منجر می‌شوند، جلوگیری کند.

۳- محیط زیست اجتماعی اگر بیشتر از دو مورد فوق اهمیت نداشته باشد، کمتر از آن نیز نخواهد بود و مسائلی همچون فقر و نرخ رشد جمعیت و مهاجرت را می‌تواند دربر داشته باشد. به‌عنوان مثال مهاجرت‌های زیست‌محیطی که معمولاً بر اثر تغییرات اقلیمی صورت می‌گیرد، اثر مستقیمی بر آلودگی و تخریب محیط زیست دارد (پورهایمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۵۸).

۱-۲- مفهوم جرم زیست‌محیطی

در حقوق ایران متخلفان قانون محیط زیست معمولاً با مجازات‌های جزایی مانند جرایم نقدی، زندان یا ترکیبی از این موارد مجازات می‌شوند. برای ارتقا و عملکرد بهتر شرکت‌های بزرگ جریمه‌های مالی سنگینی در نظر گرفته می‌شود تا ملزم به رعایت قوانین زیست‌محیطی باشند. از نظر قانون مدنی، قوانین زیست‌محیطی و مجازات عدم رعایت این

قوانین روشی برای جبران خسارت به زندگی، سلامتی یا دارایی افرادی است که قربانی چنین آسیب‌هایی می‌شوند. بنابراین مرز میان آسیب‌های زیست‌محیطی جزئی و جرم زیست‌محیطی در سطح وسیع توسط قانون‌گذار مورد تفسیر قرار گرفته است (بهرامی احمدی و علم‌خانی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). جرم زیست‌محیطی هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطراتان جدی سلامت بشر می‌شود. محیط زیست به‌طور کلی دربرگیرنده محیطی است که انسان و حیوان در آن زندگی می‌کند و به این اعتبار، جرایمی که علیه نباتات و حیوانات صورت می‌گیرند، به نوعی برگشت پیدا می‌کنند به انسان، چون نهایتاً این انسان است که از منابع طبیعی (حیوانات و نباتات) استفاده می‌کند. با تعریف فوق جرم‌انگاری اعمالی که علیه نباتات و حیوانات صورت می‌گیرد در مقام حمایت از انسانی است که در این محیط زندگی می‌کند و محیط نیز اعم از محیط زمینی و دریایی و هوایی است و به‌طور کلی قانون‌گذار در مقام تأمین آرامش و آسایش و رفاه برای موجود انسانی است که بهره‌بردار نهایی محیط است (رضضانی قوام آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

به‌طور کلی جرایم زیست‌محیطی را باتوجه به ماهیتشان به دو گروه عمده تقسیم‌بندی می‌نمایند:

۱- جرایم ارتكابی نسبت به جاندار محیط زیست منهای انسان، شامل کلیه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود که بر طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، ازجمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست پیشگیری و ممانعت از هر آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم‌خوردن تعادل و تناسب محیط زیست باشد را شامل می‌شود. همچنین کلیه امور مربوط به جانداران وحشی و آبزیان آب‌های داخلی و تخریب جنگل‌ها و مراتع نیز ازجمله مواردی است که باعث برهم‌خوردن تعادل در محیط زیست شده و بنابر این عملی مجرمانه محسوب می‌شود.

۲- جرایم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی. طبق ماده ۱۰ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب

دیگران را به خطر اندازد و یا نظم محیط زیست را بر هم زند (حسینی، ۱۳۸۳: ۶۴). در این بخش به بررسی تأثیر اصولی چون لاضرر، ضمان، اتلاف، مصلحت و وفای به عهد پرداخته شده است.

۲-۱- قاعده لاضرر

این اصل در فقه به قاعده لاضرر و لاضرار شناخته می‌شود که در آیات و روایات بسیاری به استفاده از موهبت‌های الهی بدون ضرر به غیر اشاره شده است. در حقوق محیط زیست این اصل به ممنوعیت هرگونه فعل و یا ترک فعلی که بتواند سبب خسارات و آسیب به محیط زیست گردد، اشاره دارد. در تفسیر شارع قانون‌گذار در کاربرد این اصل در حوزه محیط زیست باید به گستردگی این مفهوم اشاره کرد که تمامی عناصر محیط زیست اعم از عناصر زنده و غیرزنده را دربر می‌گیرد. برای مثال بهره‌برداری از منابع طبیعی که سبب خسارت به محیط زیست گردد، از نگاه شارع ممنوع تلقی شده است (قاسمی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۶: ۱۹۷). بهترین مصداق آن تصویب اصل ۵۰ قانون اساسی است که یکی از مترقی‌ترین یا پیشرفته‌ترین قانون‌ها است، چون عباراتی را بیان می‌کند که برای اولین بار در ادبیات حقوق بین‌الملل و حقوق محیط زیست بیان شده است. این اصل بیان داشته: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» این اصل مسأله حیات اجتماعی رو به رشد را مطرح می‌کند که به معنی این است که محیط زیست بستری مناسب برای توسعه است. به عبارت دیگر در محیط آلوده به حیات اجتماعی رو به رشدی نخواهیم داشت که یک نگاه نو و جدید است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴). بحث‌های مربوط به حقوق بشر مانند حق برابری، حق آزادی، نسل سوم حقوق بشر و برابری توسعه نیز در این اصل بیان شده است. تأثیر این مفهوم را در بسیاری از معاهدات بین‌المللی و بیانیه‌های بین‌المللی محیط زیستی می‌توانیم مشاهده کنیم. به عنوان نمونه در بیانیه جهانی ریو ۱۹۹۲ درخصوص محیط زیست اعمال حاکمیت دولت‌ها در بهره

۱۳۵۳ اصلاحی ۱۳۷۱: «منظور از آلوده‌ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن به‌طور زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد.» جرایم زیست‌محیطی ناظر بر فعل و یا ترک فعل‌هایی است که می‌تواند سبب آسیب به محیط زیست گردد (جام بزرگ و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶۵).

دو رویکرد برای تعریف جرم زیست‌محیطی به کار رفته است، یکی واژه رویکرد حقوقی و دیگری جرم‌شناسانه است. جرایم زیست‌محیطی به عبارتی تخلفی است که ناقض قانون بوده و موجبات تحت تعقیب کیفری شدن متهم را فراهم می‌کند. جرم زیست‌محیطی به تعبیری در اختیار نظام سیاسی است، لذا هر نوع فعل و ترک فعلی که معارض با تکالیف فردی باشد و به نوعی رفاه عمومی را برهم بزند، از مصادیق جرم زیست‌محیطی می‌تواند تلقی گردد. ملاک شناسایی در جرم زیست‌محیطی قوانین کیفری است که مرز میان رفتارهای مجاز و غیرمجاز را تعیین می‌کند. به عبارتی جرم زیست‌محیطی ناشی از فعل و ترک فعل است و سبب جرایمی گردد که سبب بروز خسارت جدی به امنیت و سلامت افراد و همچنین کلیه عناصر محیط زیست گردد (تقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۹).

۲-۲ مبانی فقهی در حقوق محیط زیست

دین اسلام از احکام کلی و ضوابط عامی برخوردار است و گسترش برخی از آن‌ها به گونه‌ای است که در همه ابواب فقهی جریان دارد و وظیفه مسلمانان را در زمینه‌های مختلف روشن می‌سازد. به هر حال یکی از وظایف مهم حکومت اسلامی تبیین و تدوین قوانین زیست‌محیطی است که علاوه بر تدوین قوانین بر اجرای آن نیز باید نظاره‌گر باشد و اقدامات لازم را قبل از این که خسارتی به وجود بیاید انجام دهد (جام بزرگ و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶۵). از دیدگاه پیامبر گرامی اسلام و قرآن معیار فضیلت و برتری انسان‌ها تقوا و پایبند بودن به قوانین الهی است که با عدالت‌محوری و اجرای عدالت به معنای صحیحش تحقق می‌گیرد. همچنین مطابق قرآن میزان اصلی در قضاوت بد و خوب بودن آدمی، عدالت و بی‌عدالتی است. در اسلام هیچ فرد یا گروهی در هیچ سطحی اجازه ندارد به طریقی از منابع طبیعی بهره‌مند شود که رفاه

برداری از منابع در داخل مرزها انحصاری است، اما باتوجه به اصل لاضرر این اعمال حاکمیت باید بدون ضرر و آسیب‌های برون مرزی باشد. آنچه در این بین حائز اهمیت است، این است که با توسعه حقوق بین‌الملل از حاکمیت دولت‌ها کاسته شده و دولت‌ها باید براساس نظم بین‌المللی از نقض حقوق محیط زیست به دلیل آسیب‌های فرامرزی و گسترده اجتناب ورزند. همچنین کاربرد مفاهیمی چون میراث مشترک بشریت و حفظ حقوق نسل‌های آینده مطرح می‌شود که سبب کم رنگ‌تر شدن حاکمیت دولت‌ها و توسعه مفهوم جدید حاکمیت که حاکمیتی مسؤولانه و متعهدانه است، همراه با پاسخگویی به جامعه بین‌المللی که تأثیر همگرایی جامعه جهانی در مدیریت محیط زیستی مشترک را نشان می‌دهد (کیس و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳). قواعد نیز در اعمال نوع حاکمیت دولت‌ها بر منابعشان تأثیرگذار است. برای مثال قوانین بین‌المللی در اعمال مدیریت مناطقی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست و متعلق به نسل کنونی و نسل‌های آینده است. همچنین قوانینی که اعمال آن‌ها از سوی دولت‌ها باید در جهت حفظ محیط زیست و عدم ایجاد خسارات فرامرزی باشد (قادری، ۱۳۹۷: ۵۲).

۲-۲- قاعده وفای به عهد

دولت اسلامی علاوه بر این که یکسری تعهدات و پیمان‌ها در حکومت اسلامی در قبال حفاظت محیط زیست اجرا می‌کند، با دول غیراسلامی نیز هم منعقد می‌نماید و نسبت به آن‌ها متعهد است. علاوه بر پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی حفاظت و حمایت از محیط زیست معاهدات دو یا چندجانبه نیز در این مورد منعقد می‌شود، وفای به عهد قاعده عمومی و مطلق است که بر مبنای آن حتی عقود نامعینی که دولت اسلامی و روابط بین‌المللی خود منعقد می‌نماید تحت شمول آن قرار می‌گیرد، زیرا از نظر لغوی و عرفی عقد محسوب می‌شود. اکثریت فقها معتقدند که معاهدات بین‌المللی تابع قواعد عمومی قراردادها و از جمله اصل وفای به عقد است. ارزش و اهمیت حقوقی قراردادها از خصوصیات حقوق اسلامی محسوب می‌شود که حقیقت آن را می‌توان با مطالعه و بررسی متون و مدارک حقوق اسلامی دریافت. وفای به عهد و پایبندی به تعهدات واجباتی است که خداوند از مسلمانان

خواسته است و حتی نقض آن در مقابل مشرکین را نمی‌پذیرد. بنابر حکم عقل و شرع قاعده‌ای در فقه اسلامی وجود آمد که به آن قاعده «اوفو بالعقود» می‌گویند، معادل این قاعده، این است که تعهدات و پیمان‌ها لازم‌الاجرا می‌باشند، زیرا طرفین به یکدیگر تعهد می‌دهند و خود را ملزم به اجرای آن می‌دانند و همچنین روایات متعددی وجود دارد که نشان دهنده سنت نبوی و ائمه دین است. بنابراین یکی از موارد مهم برای حمایت و حفاظت از محیط زیست در داخل هر کشور و در صحنه بین‌الملل پایبندی به قراردادهای حفظ محیط زیست است (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). در اسلام نیز به اصل کلی عمل به عقود تأکید شده یکی دیگر از قواعدی که معاملات و پیمان‌های طرفین را محکم و منسجم می‌کند، قاعده اصاله اللزوم است که طبق این قاعده قراردادها و پیمان‌ها لازم و فسخ‌ناپذیر می‌باشد و هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند بدون رضایت طرف دیگر از اجرای آن امتناع ورزد. و طبق این قاعده تمامی عهدها و قراردادهایی که در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست چه در قوانین داخلی کشور و چه در قوانین بین‌المللی منعقد می‌شود، نمی‌توان از آن سرپیچی کرد و عمل نکرد و حکومت اسلامی نیز مقید به این اصل می‌باشد و تمامی مراحل قراردادها نیز به این اصل پایبند می‌باشد (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۷۸: ۴۹).

۲-۳- قاعده اتلاف

این اصل در خصوص اتلاف با مباشرت و یا به سببیت بحث می‌کند و به بیانی ساده‌تر در حوزه محیط زیست هر فعل و ترک فعلی که منجر به تخریب محیط زیست شود، موجب ضمان فاعل می‌گردد که می‌توان از این قاعده فقهی در باب انواع آلودگی‌های محیط زیستی به گونه‌ای که سبب تخریب محیط گردد و جانوران یا گیاهان را تلف نماید، اشاره کرد که مطابق این قاعده مسبب را مکلف به پرداخت خسارت می‌کند. در قرآن کریم صراحتاً به فساد و اتلاف و تخریب زمین و آلوده کردن آن اشاره شده که می‌تواند مستند احکام محیط زیستی قرار بگیرد. در اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز مصداق این قاعده در اصل آلوده‌کننده پرداخت‌کننده است که دولت خاطی را ملزم به پرداخت خسارت می‌کند، این اصل علاوه بر قاعده اتلاف با قاعده ضمان نیز مرتبط است (بهرامی

۲-۴- قاعده ضمان

این قاعده ارتباط تنگاتنگی با قاعده اتلاف دارد و از مصادیق آن می‌توان به مسؤولیت فردی در قبال ضرر و زیان اشاره کرد. در اسلام هیچ فرد یا گروهی در هیچ سطحی اجازه ندارد به طریقی از منابع طبیعی بهره‌مند شود که رفاه دیگران را به خطر اندازد و یا نظم محیط زیست را برهم زند، آیاتی در قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که طبیعت به تسخیر انسان درآمد تا او از آن بهره‌مند شود و سود گیرد و آنجایی که زمین و هرچه در آن است، محیط زیست انسان را تشکیل می‌دهد، جزء نعمت‌های عمومی می‌باشند که باید مورد استفاده همگان و آیندگان قرار گیرد. برای همین آسیب به آن کل جامعه را به مخاطره می‌اندازد و حاکم باید با تدوین قوانین و ضمانت اجرای آن به حفظ محیط زیست مبادرت ورزد (محقق داماد، ۱۴۲۹: ۷۲). اصل ۵۰ قانون اساسی نیز به قاعده ضمان اشاره دارد، زیرا از عبارات این اصل چنین برداشت می‌شود که هرگونه فعالیت اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی یا تخریب غیرقابل جبران محیط زیست ملازمه پیدا کند، ممنوع است، یعنی درخصوص عبارت هرگونه فعالیت اقتصادی و غیر آن، چون فعالیت اقتصادی عامل مؤثرتری است، آن را عنوان کرده، اما مابقی فعالیت‌ها نیز منظور قانون‌گذار بوده است و مسؤولیت افراد حقیقی و حقوقی را در قبال ضرر و زیان بیان کرده، قید کلمه غیرقابل جبران نیز برای هر دو وصف آلودگی و تخریب به‌کار رفته و تخریب غیرقابل جبران، البته منظور نظر قانون‌گذار بوده و در مجموع به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار آلودگی را قابل جبران می‌داند و تخریب را به دلایلی غیرقابل جبران دانسته، چراکه آلودگی به‌واسطه خودپالایی منابع و نیز با استفاده از مدیریت صحیح می‌تواند از بین برود (خالقی و رشنودی، ۱۳۹۱: ۲۰۶). همچنین عبارت «ملازمه‌داشتن» کاربردی‌ترین و مهم‌ترین قسمت اصل ۵۰ می‌باشد، در این اصل از یک‌سو مسأله فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن عنوان می‌گردد که می‌تواند بر محیط زیست اثر بگذارد و از سوی دیگر مسأله حفاظت از محیط زیست را مطرح می‌کند که این دو می‌توانند با یکدیگر در تقابل باشند و با هم ملازمه پیدا کنند. برای همین قانون‌گذار با ممنوع کردن هر نوع فعالیتی که با محیط زیست ملازمه پیدا کند، اولویت را زمانی که

احمدی، ۱۳۷۱: ۳۹). مطابق این اصل هرگاه اشخاص حقیقی یا حقوقی مسبب آلودگی در محیط زیست گردند، هزینه‌های اعاده به وضع سابق و جبران خسارت نیز برعهده آلوده‌کننده خواهد بود. در زمان جنگ نیز شاهد خسارات زیست‌محیطی به اکوسیستم‌ها هستیم که با انواع آلودگی‌ها و تخریب‌ها همراه است. در تعریف جرم زیست‌محیطی حدود مرز معین نگردیده است، لذا در قوانین بین‌المللی نیز آسیب‌های زیست‌محیطی را صدماتی گسترده، پایدار و درازمدت و شدید می‌دانند. منظور از تخریب گسترده، صدماتی با مقیاس وسیع و غیرقابل جبران و برگشت‌ناپذیر است. به‌عبارتی تخریب مستقیم محیط زیست در حجم وسیع همچون جنگل‌زدایی، آلودگی‌های نفتی و یا حتی از بین بردن گونه‌های نادر در معرض خطر انقراض می‌تواند به‌مثابه خسارت وسیع تلقی گردد (فرشچی و دبیری، ۱۳۸۶: ۳۳). در تخریب‌های پایدار و بلندمدت که اثراتی غیرقابل جبران بر جای می‌گذارند و طبیعت قادر به خودپالایی ناشی از خسارت نیست، همچون انواع آلودگی‌های نفتی که هرچند ممکن است حجم آلودگی کم باشد، اما اثرات آن در اکوسیستم پایدار بماند، همانند از بین رفتن گونه‌های آبی و تبدیل شدن اکوسیستم به محیط غیرقابل زیست برای انواع گونه‌های آبی و علاوه بر آن نشت و سرایت مواد آلوده به بخش‌های وسیعی از دریا و یا خشکی‌ها می‌تواند اثرات تخریبی زیست‌محیطی پایداری را ایجاد کند. از دیگر اثرات تخریب در سطح شدید آسیب‌های مهم و غیرقابل جبرانی است که بر اثر آسیب‌های زیست‌محیطی در سطح وسیع ایجاد می‌شود و خسارت‌ها به حدی می‌شود که جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مانند حادثه چرنوبیل که آسیب‌ها به حدی بود که حتی امروزه به نسل‌های بعدی هم سرایت کرده است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا خسارت به محیط زیست در داخل مرزها می‌تواند اثرات برون‌مرزی داشته باشد؟ بهترین پاسخی که می‌توان به این پرسش داد، رعایت اصول احتیاطی توسط کشورهاست، یعنی وقتی احداث طرحی در داخل یک کشور ممکن است اثرات زیست‌محیطی وسیع و شدید ایجاد کند عدم قطعیت علمی نمی‌تواند دلیلی برای به تعویق انداختن اقدامات احتیاطی گردد (ظلالی و حیدری، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

داشته و در نتیجه ارزیابی به وجود می‌آید، حتی اهداف کنوانسیون آرهوس نیز با رویکرد قاعده مصلحت همخوانی دارد. در این کنوانسیون به حق مردم در دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، حق مشارکت در تصمیم‌گیری زیست‌محیطی و حق دستیابی به عدالت اجتماعی که نتیجه آن حق دسترسی به محاکم است، اشاره شده که مصداق بارز قاعده مصلحت در اسلام است (زارعی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۷).

نتیجه‌گیری

در خصوص جرایم زیست‌محیطی از آنجا که مجموعه‌ای از تصمیمات و سیاست‌ها در ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی دخیل هستند، لذا نمی‌توان فرد خاصی را به‌عنوان مجرم و مرتکب معرفی نمود. در این حال بهترین مجازات و شاید منطقی‌ترین آن‌ها سیستم جبران خسارت باشد و اعاده به وضع سابق برای افراد حقوقی همچون شرکت‌ها و برای مجازات دولت‌ها از اعمال جریمه و تحریم‌های بین‌المللی استفاده کرد. در این خصوص یکی از بارزترین مثال‌ها تولید گازهای گلخانه‌ای است که توسط تعدادی از کشورها صورت می‌گیرد که تبعات آن فرامیزی بوده و منجر به گرمایش زمین و تغییرات آب و هوایی می‌شود، لذا مسؤولیت اینچنین اعمالی در سطح وسیع نیازمند ضمانت اجرایی گسترده در سطح بین‌المللی است. یکی از چالش‌های دیگر در حوزه تعیین عاملین اصلی آلودگی و تخریب محیط زیست وجود عوامل متعدد است و اصل در کیفر شخصی بودن آن است و هرچند که دولت‌ها بعنوان تابعین حقوق بین‌الملل هستند، اما نمی‌توان آن‌ها را به‌عنوان شخص حقوقی مجرم تلقی کرد، مگر انجام مجازات‌های تأمینی همچون انواع تحریم‌ها و باتوجه به رویه‌های قضایی و رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری نیز صرفاً شخص حقیقی را در جرایم مسؤول می‌داند. یکی از جهات مورد بحث فعل و ترک فعل است در جرایم مجرمانه و از طرفی کثرت عنصر معنوی در ارتکاب جرایم زیست‌محیطی سبب پراکندگی اراده مجرمانه باعث کثرت رفتارهای مجرمانه محیط زیستی می‌گردد که هر کدام با نیت خاصی به ارتکاب جرم می‌پردازند. در حقوق داخلی و همچنین حقوق بین‌الملل عواملی سبب زائل شدن وصف مجرمانه یک یا چند فعل می‌گردد. در جرایم زیست‌محیطی

تقابل بین محیط زیست و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن باشد، به محیط زیست می‌دهد و به نوعی مصداق قاعده ضمان در این اصل است. در حقوق بین‌الملل محیط زیست هم ریشه‌های قاعده ضمان را می‌توان در اصل آلوده‌کننده پرداخت‌کننده مشاهده کنیم که اشخاص حقیقی و حقوقی که با مباشرت و به سببیت خسارت به محیط زیست زده‌اند مسؤول جبران خسارت و اعاده به وضع سابق هستند (حیاتی، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

۲-۵- قاعده مصلحت

مصلحت در لغت به معنای صلاح و خیر و در اصطلاح به معنای جلب منفعت و دفع ضرر است. تبلور این قاعده را می‌توانیم در تفسیر اصل ۵۰ قانون اساسی مشاهده کنیم. این اصل مسأله حیات اجتماعی رو به رشد را مطرح می‌کند، در خواهیم یافت که محیط زیست بستری مناسب برای توسعه است (رشیدپور، ۱۳۸۹: ۵۵). به عبارت دیگر در محیط آلوده به حیات اجتماعی رو به رشدی نخواهیم رسید که یک نگاه نو و جدید است و این که نسل امروز و نسل‌های بعد باید حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد، با مصالح پنج‌گانه شارع که شامل حفظ دین، حفظ نفوس، حفظ عقول، حفظ نسل و حفظ اموال است، مناسب بدانیم (دیرباز و دادگر، ۱۳۸۵: ۴۷). این درحالی است که در جهان امروز دیدگاه‌های زیست‌محیطی با مسائل حقوق بشری گره خورده‌اند. بحث‌های مربوط به حقوق بشر مانند حق برابری، حق آزادی، نسل سوم حقوق بشر و برابری توسعه در این اصل همگی نشانگر مصالح پنج‌گانه است که نیازمند رویکرد اصل مصلحت در تدوین قوانین محیط زیستی است، یعنی جایی که ضرورت حفاظت محیط زیست ایجاب می‌کند باید مصلحت عام به جای مصلحت فردی مد نظر مقنن قرار گیرد (عباسی سرمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۴). در اصل ۵۰ ما می‌توانیم بحث حقوق شهروندی را نیز در عبارت وظیفه عمومی بیابیم. درحقیقت اساس حقوق بشر، رابطه مردم با دولت‌هاست. این دیدگاه از آنجا منشأ می‌گیرد که دولت‌ها مشروعیت خود را از ملت‌ها می‌گیرند. اگر در جایی حقوق شهروندی وجود دارد، یعنی شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها قلمداد شده و در این مشارکت نظارت وجود

اعمال صدمات زیست‌محیطی که بالاخص در زمان جنگ که دستور آمر قانونی به مأمور در بسیاری از موارد با هدف تخریب محیط زیست نمی‌باشد، بلکه این تخریب وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف نظامی اتفاق می‌افتند. همچنین فورس ماژور یا قوه قاهره نیز یکی دیگر از عوامل رافع مسؤولیت می‌باشد، اجرای قوانین و مقررات عادلانه خداونه به‌منظور پیاده کردن عدالت در جامعه وظیفه‌ای است که پیامبر اکرم بدان خاطر حکومت اسلامی تشکیل داد و وظیفه حاکم اسلامی را تدوین قوانین و ضمانت اجرای آن قرار داد. به عبارت دیگر حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر قانون الهی است که برای اجرای قانون و گسترش عدالت مقرر گشته است و برای تحقق این هدف دو شرط مهم که اساس یک حکومت الهی است و شامل (علم به قوانین) و (عدالت) است برای زمامدار حاکم اسلامی واجب تلقی گردیده است. با تمام تفاسیر حکومت اسلامی وظیفه تدوین و تبیین قوانین داخلی را برعهده دارد و تعهد به قوانین بین‌المللی نیز در حکم قانون و لازم‌الاجرا است، در حوزه محیط زیستی حکومت اسلامی (حاکم اسلامی) مسؤول اجرای آن است و در همین راستا مسؤول بهره‌گیری از افراد شایسته در هرم اداری محیط زیست است تا بتوان به توسعه پایدار زیست‌محیطی که هدف اصلی می‌باشد، نزدیک شد، در عین حال دیدگاه‌های اسلامی در برخورد با عوامل ناپایدار توسعه، مبین این مطلب است که با پرورش و تربیت انسان متعهد و با هدف‌گذاری مطلوب در هدایت و کنترل تکنولوژی به‌عمل آمده، به‌نحوی کمترین آسیب را برای طبیعت داشته باشد و در عین حال اعتدال در مصرف و قناعت اسلامی همگام با تلاش و فعالیت بیشترین بازدهی را برای طبیعت و جامعه به ارمغان بیاورد، لذا در مقوله محیط زیست هیچ سرمایه‌گذاری بهتر و سودمندتر از تعالی سطح دانش و آگاهی مردم، ایجاد وجدان بیدار در جامعه نسبت به ماهیت و موجودیت منابع خدادادی و طبیعی نخواهد بود. در آیین دادرسی و رویه قضایی جرایم علیه محیط زیست در ایران باید اذعان داشت در سال‌های اخیر موج آگاهی‌های عمومی مربوط به اهمیت محیط زیست در کنار تلاش سازمان‌های دولتی سبب قانون‌گذاری‌هایی منطبق با اسناد بین‌المللی گردیده که در قوانینی همچون اصل ۵۰ قانون

اساسی که صریح‌ترین اصل در حوزه حفاظت محیط زیست است، بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد.» از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. علاوه بر اصولی همچون اصل ۴۳، ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی، قوانین و آیین‌نامه‌های خاصی نیز برای حفاظت محیط زیست تصویب گردیده، مانند قانون شکار و صید مصوب سال ۱۳۴۶ و اصلاحیه‌های آن در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۷، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ که مبدأ تأسیس سازمان حفاظت محیط زیست می‌گردد، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی مصوب ۱۳۷۴ و آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۵ و قانون مدیریت پسماند ۱۳۸۳ و دیگر قوانین تصویبی در حوزه محیط زیست، در فصل ۲۵ و ماده ۶۹۰ از فصل ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از دیگر رویکردهای سیستم قضایی ایران است، اما با نگاهی به سابقه قضایی ایران در حوزه محیط زیست متأسفانه علی رغم وجود سازوکارهای قانونی مناسب نتوانسته در حوزه حفاظت از محیط زیست نقشی بنیادین ایفا کند و صدور آرا به جهت‌گیری‌هایی در حوزه سیاست و دفاع از عملکرد قوه مجریه منتهی شده است که مصداق آن در عدم تعطیلی مراکز انتشار آلودگی به‌جهت بالابودن هزینه برای دولت یا بیکاری کارگران منتهی شده است. پیشنهاد می‌گردد باتوجه به قواعد و اصول فقهی که بسیاری از آن‌ها در حقوق محیط زیست و حقوق بین‌الملل محیط زیست ریشه دارد. همچون اصل لاضرر و اصل وفای به عهد نسبت به رویکرد اصول فقهی در جرم‌انگاری در حوزه محیط زیست تبیین صورت پذیرد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

- دیرباز، عسگر و دادگر، حسن (۱۳۸۵). *نگاهی به اسلام و توسعه پایدار*. تهران: کانون اندیشه جوان.

- رابینسون، نیکلاس و و لال کورو کولاسوریا (۱۳۹۰). *مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست*. ترجمه سید محمد مهدی حسینی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- رشیدپور، ابوالقاسم (۱۳۸۹). *قاعده لاضرر از دیدگاه امام خمینی*. چاپ اول، تهران: نشر عروج.

- رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۸). «حمایت کیفری از گونه‌های جانوری، علوم محیطی». *فصلنامه علوم محیطی*، ۲(۷): ۱۱۸-۱۲۱.

- زارعی، سحر و همکاران (۱۳۹۴). «توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آراء و رویه‌های قضایی بین‌المللی». *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۹(۳): ۱۹۷-۲۰۴.

- طلایی، فرهاد و حیدری، الهام (۱۳۹۴). «نقش سازمان‌های بین‌المللی دارای صلاحیت جهانی در مقابله با آلودگی زیست‌محیطی ناشی از پسماندها». *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، ۲(۷): ۱۲۴-۱۳۰.

- عباسی سرمدی و مهدی، اسدی و خمایی، رضا (۱۳۹۴). «مفهوم عدالت زیست‌محیطی و انعکاس آن در اسناد منطقه ای و بین‌المللی». *فصلنامه راهبرد*، ۲۴(۷۷): ۳۳-۵۷.

- علیزاده، فاطمه و همکاران (۱۳۹۵). «نگاهی بر حقوق بین‌الملل محیط زیست از منظر حقوق بین‌الملل عمومی». *همایش ملی حقوق سبز با تأکید بر چالش‌های زیست‌محیطی مناطق شمالی، گرگان: سازمان بسیج حقوق‌دانان کشور*.

- فرشچی، پروین و دبیری، فرهاد (۱۳۸۶). «بررسی ابعاد آلودگی‌های نفتی در منطقه خلیج فارس و دریای عمان». *علوم تکنولوژی محیط زیست*، ۹(۳۳): ۳۳-۳۹.

- فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی (۱۳۹۰). «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت زیست‌محیطی». *فصلنامه حقوقی*، ۱(۴۱): ۱۲۳-۱۲۹.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده به‌عنوان نویسنده اصلی و مسؤول است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۷۱). *سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام‌های حقوقی*. تهران: اطلاعات.

- بهرامی احمدی، حمید و علم‌خانی، اعظم (۱۳۹۳). «مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی». *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۳(۷): ۹۵-۱۱۳.

- پورهاشمی، سیدعباس و ارغند، بهاره (۱۳۹۲). *حقوق بین‌الملل محیط زیست*. چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۹۳). *حقوق بین‌الملل محیط زیست*. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

- جام بزرگ، مریم و همکاران (۱۳۹۴). «مؤلفه‌ها و چالش‌های تدوین شاخص‌های جرم زیست‌محیطی تحت عنوان جرم بین‌المللی». *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۱(۴): ۲۵۹-۲۶۵.

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۳). «مفهوم اصل احتیاط و جایگاه آن در مسئولیت مدنی». *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ۱۵(۲): ۱۸۵-۲۰۶.

- خالقی، ابوالفتح و رشوادی، حجت‌الله (۱۳۹۱). «سیاست تقنینی کیفری ایران در صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بین‌المللی». *پژوهش حقوق کیفری*، ۲(۳): ۱۱۹-۱۴۱.

- قادری، مسعود (۱۳۹۷). «جرایم زیست محیطی بین المللی». کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حقوق، حسابداری و علوم اجتماعی شیراز، ۲(۱۲): ۴۶-۵۲.

- قاسمی، ناصر و دوست محمدی، سامان (۱۳۹۶). «جایگاه روش های نوین کیفر سالب حیات در نظام کیفری ایران». دوفصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، ۲(۷۷): ۱۶۵-۱۹۷.

- کیس الکساندر و همکاران (۱۳۸۶). حقوق محیط زیست. ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.

- کیس، الکساندر و همکاران (۱۳۹۰). حقوق محیط زیست. جلد اول، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران: نشر میزان.

- کاتوزیان، ناصر و انصاری، مهدی (۱۳۷۸). «مسئولیت ناشی از خسارت های زیست محیطی». فصلنامه حقوق، ۳۸(۲): ۴۴-۴۹.

- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۲۹). قواعد فقه بخش مدنی. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

